

روابط فتحعلی شاه قاجار با شاهزادگان و امرای گرجستان بر اساس اسناد فارسی و روسی (آرشیوهای روسی و گرجی)

فاطمه اروچی^۱

چکیده

با روی کار آمدن فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق/۱۷۹۸-۱۸۳۴ م) تغییری در رویکرد سیاست ایران نسبت به گرجستان روی نداد. فتحعلی شاه به تأسی از سیاست آقا محمدخان (۱۲۱۰-۱۲۱۱ ه.ق/۱۷۹۵-۱۷۹۷ م) سعی نمود تا حاکمیت ایران را بر سرزمین گرجستان حفظ نماید. او ابتدا از طریق مکاتبه با شاه گرجستان - گرگین خان - از او خواست تا به تابعیت ایران درآمده و از اطاعت روسها خارج شود و کماکان در تخت گرجستان برقرار باشد، و در غیر این صورت می‌بایست منتظر حمله‌ای دیگر از سوی ایران به سرزمین خود باشد. در واقع همزمان با تلاشهای روسیه در تسلط بر قفقاز و به ویژه گرجستان از طریق ارسال قوای نظامی به منطقه و ایجاد رعب و هراس در آنجا، فتحعلی شاه نیز با انجام مکاتباتی با حاکمان منطقه از جمله گرجی‌ها، شکی‌ها و شیروانی‌ها سعی نمود تا از طریق برقراری مناسبات دیپلماتیک با آنها از دستیابی روسها به قفقاز به جلوگیری نماید. اما با همه آن تلاشها وی نتوانست مانع جدایی گرجستان از ایران شود و روسها از تمایلات تجزیه‌طلبانه گرجی‌ها استفاده کرده و در آن نفوذ نمودند و از آن طریق توانستند در پایان جنگهای اول ایران و روس با انعقاد قرارداد گلستان، گرجستان را از ایران جدا و تحت حاکمیت خود درآورند. این نوشتار بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی و اسنادی و با بهره گیری از اسناد فارسی و روسی، روابط فتحعلی شاه قاجار با شاهزادگان و امرای گرجستان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد تا از آن طریق تلاشهای فتحعلی شاه و همچنین دولتمردان او از جمله عباس میرزا برای حفظ حاکمیت ایران در قفقاز از طریق برقراری مناسبات دیپلماتیک با حاکمان آن مناطق را نشان دهد.

کلید واژه‌ها: فتحعلی شاه، عباس میرزا، ایران، امرای گرجستان، جنگهای ایران و روس.

The Relations of Fath 'Ali Shah Qajar with the Georgian Princes and Governors based on the Russian and Persian Documents in the Russian and Georgia Archivals

F. Orouji¹

Abstract

There was no change in Iran's policy toward Georgia, when Fath Ali Shah (1212-1250 A.H/1798-1834 A.D) assumed the throne. Fath Ali Shah tried to follow Aqa Mohammad Khan's policy in keeping Georgia under Iranian domination. At First, he wrote to the Georgian king, Gorgin Khan (Georgi XII), asking him to renounce his pact [Georgievsk Treaty of 1783] with Russia, accept Iranian citizenship and remain on the throne [as a vassal of Iran]. Otherwise, he had to expect another invasion of his land [similar to that of Aqa Mohammad Khan in 1795]. Meanwhile, since Russia continued its efforts to take over the Caucasus and especially Georgia by sending troops to the region and spreading fear among the various khanates, Fath Ali Shah, in order to prevent the Russian encroachments, sent a number of letters to the khans and local governors of Georgia, Sheki, and Shirvan encouraging them to keep their historic ties with Iran to prevent Russia from taking over the Caucasus. Fath Ali Shah was not successful in preventing the separation of Georgia from Iran, despite all his efforts. Russia took advantage of Georgia's demands for autonomy from Iran at the end of the First Russo-Iranian War and managed to detach Georgia by the Treaty of Gulistan and made it part of the Russian Empire. This paper seeks to analyze the relations of Fath Ali Shah Qajar with the princes and emirs of Georgia through implementing a descriptive-analytical and documentary methods and using Persian and Russian documents. It tries to show Fath Ali Shah's and his governors' efforts, including Abbas Mirza, to have diplomatic relations with the rulers of the region in order to preserve the sovereignty of Iran in the Caucasus.

Keywords: Fath 'Ali Shah, Abbas Mirza, Iran, Georgian Emirs, Russo-Iranian Wars.

1- Associate Professor, Department of History, Tabriz University

forouji@tabrizu.ac.ir

مقدمه

فاصله میان سقوط صفویه و روی کار آمدن قاجار باعث از هم گسیختگی مناسبات میان ایران با قفقازیه شد. در این میان گرجستان بیشتر از مناطق دیگر قفقاز دارای تمایلات گریز از مرکز و تجربه طلبانه و جدایی از ایران بود. از سویی نقشه روسها نیز از زمان پترکبیر (۱۶۸۲-۱۷۲۵م/ ۱۰۹۲-۱۱۳۷ق) تسلط هر چه بیشتر بر سرزمین های قفقاز بود. کاترین دوم (۱۷۶۲-۱۷۹۶م/ ۱۱۷۵-۱۲۱۰ق) در صدد اجرا کردن وصیت نامه پتر^۱ از اوضاع آشفته ایران استفاده و در صدد تصرف قفقاز برآمد. در این میان تمایلات تجزیه طلبانه و جدایی طلبانه گرجستان باعث برقراری مناسبات نزدیک میان آنها و روسیه شد. اراکلی خان والی گرجستان در تاریخ ۱۷۸۳م (۱۱۹۷هـ) معاهده گیورگیفسک^۲ را با دولت روسیه منعقد نمود که به موجب آن تحت الحمايه روسیه شد؛ و دقیقاً در راستای همین عملکرد گرجی ها بود که آقامحمدخان در تاریخ ۱۷۹۵م (۱۲۰۹ق) به تفلیس حمله کرد و تلاش نمود تا از الحاق آن به روسیه جلوگیری نماید. هجوم ایران به تفلیس، روسیه را از حمله و اشغال قفقاز و نیز والیان آن مناطق را از وعده های روسی و حمایت آنها رها ساخت.^۳ اگرچه کاترین فرمان حمله تعرضی متقابل را صادر نمود، اما مرگ او در ۱۷۹۶م (۱۲۱۰ق) منجر به

۱ - وصیت نامه منسوب به پتر کبیر مبنای تاریخی ندارد چرا که در هیچ یک از کتابهای تاریخی نیامده است؛ و بنابراین به نوشته برخی از مورخان و پژوهشگران باید آن را مجعول و ساختگی دانست. سعید نفیسی در این باره چنین می نویسد: «در قرن نوزدهم در میان اسناد سیاسی که در آن زمان بسیار رواج داشته سند مجعولی نیز انتشار داده اند که آن را «وصیت نامه پتر کبیر» و نامود کرده اند و مدعی شده اند که پتر اول امپراتور معروف روسیه در پایان زندگی این سفارشنامه را برای جانشینان خود نوشته است، اما هیچ دلیل متقنی درباره این اسناد نیست و به همین جهت باید آن را ساختگی دانست. چون این سند در آغاز قرن نوزدهم میلادی انتشار یافته و پیش از آن ذکری از آن در جایی نکرده اند پیداست که در همان زمان آن را ساخته اند و نزدیک صد سال پس از دوره سلطنت او که از ۱۶۸۲ تا ۱۷۲۵م (۱۰۹۳-۱۱۳۷ق) پادشاهی کرده ساخته شده است. بیشتر بدان می ماند که این سند را در همان دربار تزارهای روسیه ساخته باشند زیرا برنامه کامل و انعکاس دقیقی از نقشه جهان گیری و کشورستانی تزارهای روسیه در آن هست». نک: سعید نفیسی، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، ج اول، تهران، انتشارات بنیاد، چاپ نهم، ۱۳۷۲، ص ۳۱۸.

2 - Georgievsk

۳ - در باره حمله آقامحمدخان قاجار به تفلیس و حوادث متعاقب آن رک: میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری، *تاریخ نوالقرنین*، ج اول، به تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۰، ۴۱، ۴۹؛ مفتون دنبلی، عبدالرزاق، *مآثر سلطانیه*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۶۹، ۷۱، ۱۷۶-۱۷۸؛ ملکم، سرجان *تاریخ ایران*، ج دوم، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، کتابفروشی سعدی، ۱۳۸۴م/۱۳۰۴ش، صص ۱۰۴-۱۰۹.

انصراف روسیه از قفقاز جنوبی تا پایان قرن شد، و مرگ آقامحمدخان و کشمکش‌هایی که به دنبال آن برای جانشینی وی پدید آمد، مسیحیان و مسلمانان که به طرف روسها متمایل شده بودند را از مجازات ایران رهایی بخشید. از سوی دیگر با درگذشت آقامحمدخان بار دیگر تابعیت گرجستان از ایران گسیخته شد.

به هرحال عقب نشینی روسها از قفقاز جنوبی موقتی بود. زیرا با شروع قرن نوزدهم بار دیگر نقشه‌های روسیه برای چیرگی بر آن تجدید شد. آراکلی‌خان در سال ۱۷۹۸م (۱۲۱۲ه.ق) از دنیا رفت و پسرش گرگین‌خان جانشین او شد. در آن زمان روسها به بهانه قرضه‌هایی که به گرگین داده بودند تفلیس را اشغال و او را به همراه خانواده اش به سنت پترزبورگ تبعید نمودند، و ژنرال سیسیانف^۱ را که از نژاد گرجی بود به فرمانداری کل گرجستان منصوب نمودند. گرگین‌خان تحت فشار و تهدید روسها مجبور شد در ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰م (۹ جمادی‌الاول ۱۲۱۵ه.ق) سندی امضاء نماید، که به موجب آن از امارت گرجستان به نفع تزار روسیه دست کشید. در ادامه این سیاست در سال ۱۸۰۱م (۱۲۱۶ه.ق) امپراتور روسیه الکساندر اول (۱۸۰۱-۱۸۲۵م / ۱۲۱۶-۱۲۴۱ه.ق) فرمانی صادر کرد که گرجستان را به روسیه ملحق نمود. به این ترتیب در سال ۱۸۰۲م (۱۲۱۷ه.ق) روسیه، گرجستان شرقی را ضمیمه قلمرو خود نمود و اکثر خانواده سلطنتی گرجستان را به نقاط دور دست روسیه تبعید کرد. اگرچه این عمل برخی از رهبران ارمنی را از روسیه روی گردان نمود - زیرا اکنون نگران انگیزه روسها بودند- اما دیگران همچنان متکی به وعده‌های روس، یا خواستار خودمختاری بودند یا تسلط روسیه را در منطقه در راستای منافع و امتیاز خود می‌دیدند (Bournoutian, 1992: 70).

در واقع همزمان با تلاش‌های روسیه جهت تسلط بر قفقاز از طریق ارسال قوای نظامی به منطقه و ایجاد رعب و هراس در آن، فتحعلی شاه نیز با انجام مکاتباتی با حاکمان منطقه از جمله گرجی‌ها، شکی‌ها و شیروانی‌ها سعی نمود تا از طریق برقراری مناسبات دیپلماتیک با آنان از دستیابی روسها به قفقازیه جلوگیری نماید. اما با همه آن تلاشها ایران نتوانست مانع جدایی گرجستان از ایران شود و روسها از تمایلات تجزیه‌طلبانه گرجی‌ها استفاده و

1- Tsitsianov

در آن نفوذ نمودند و از آن طریق توانستند در پایان جنگهای اول ایران و روس با قرارداد گلستان، گرجستان را از ایران جدا و تحت حاکمیت خود درآورند. جالب آنکه پس از الحاق گرجستان به روسیه عملاً به استقلال همه نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن خاتمه داده شد و کلیسای گرجستان در کلیسای ارتدوکس روسیه جذب و قسمتی از آن شد.

مقالات و نوشته‌های چندی درباره روابط ایران با گرجستان در دوره جنگهای ایران و روس به رشته تحریر درآمده است. از جمله آنها می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره نمود: «شاهزاده ایران‌گرا: بررسی وضعیت گرجستان و نقش الکساندر میرزا در جنگهای ایران و روس»، «چشم‌اندازی از روابط ایران و گرجستان مقارن تأسیس سلسله قاجار و نقش شاهزاده الکساندر میرزا»، «واکاوی علل ناکامی فتحعلی شاه در جنگهای ایران و روس (منطقه قفقازیه)». اما همه این نوشته‌ها به چگونگی جنگهای ایران و روس در قفقاز با تلاشهای هر دو دولت برای دستیابی بر آن مناطق می‌پردازند.

این نوشتار قصد دارد با بهره‌گیری از اسناد و مدارک فارسی و روسی بجای مانده از آن دوران به بررسی روابط میان فتحعلی شاه با شاهزادگان و امرای گرجی بپردازد، و به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چرا به رغم تلاشهای ایران مبنی بر حفظ حاکمیت این دولت بر گرجستان، رهبران آن در صدد استقلال از ایران و الحاق به روسیه برآمدند؟ این نوشتار همچنین در صدد پاسخگویی به سؤالات دیگری از این دست خواهد بود: مرادوات و مکاتبات دیپلماتیک ایران با امرای گرجی در دوره فتحعلی شاه چگونه بود؟ دیدگاه رهبران گرجی و حاکم‌نشین‌های قفقاز جنوبی نسبت به حاکمیت و سلطه ایران بر آن مناطق چگونه بود؟

۱ - رشتیانی، گودرز، «بررسی وضعیت گرجستان و نقش الکساندر میرزا در جنگ‌های ایران و روسیه»، تاریخ روابط خارجی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۴۲.

۲ - کاووسی عراقی، محمد حسن، «چشم‌اندازی از روابط ایران و گرجستان مقارن تأسیس سلسله قاجار و نقش شاهزاده الکساندر میرزا»، تاریخ روابط خارجی، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱۴.

۳ - آهنگران، امیر، «واکاوی علل ناکامی فتحعلی شاه در جنگ‌های ایران و روس (منطقه قفقازیه)»، تاریخ روابط خارجی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۱.

۱- روابط فتحعلی شاه قاجار با گرجستان

- نامه فتحعلی شاه به گرگین خان شاه گرجستان

اراکلی‌خان در سال ۱۷۹۸ م (۱۲۱۳ ه.ق) از دنیا رفت و فرزند او به نام گرگین‌خان (۱۷۹۸-۱۸۰۰ م / ۱۲۱۳-۱۲۱۵ ه.ق) جانشین او شد. او نیز مانند پدرش به دنبال تحت‌الحمایگی روسها بود نه انضمام گرجستان به روسیه. در واقع اراکلی‌خان برای دفع حملات کوه نشینان داغستان به سرزمین خود از روسیه کمک خواست و در تاریخ ۱۷۸۳ م (۱۱۹۷ ه.ق) یک معاهده با دولت روسیه منعقد نمود که به موجب آن تحت‌الحمایه روسیه شد نه ضمیمه آن. روسیه نیز در مقابل از اراکلی‌خان خواست تا رشته متابعت روس را بر گردن نهد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱). از سوی دیگر اشتراک مذهب میان روسیه و گرجی‌ها دلیل دیگر برقراری روابط نزدیک میان اراکلی و روسیه بود. گرجی‌ها همانند روسها، مسیحی ارتدوکس بوده و تصور می‌کردند که اگر تحت حمایت روسها باشند وضعیت آنها به مراتب بهتر خواهد شد. اراکلی «می‌خواست رعایای خود را که عیسوی بودند از تعدی و تطاول بزرگان مسلم برهاند و در تحت حمایت ملتی بزرگ جای دهد که در شریعت با ایشان شرکت داشته باشد و به هیچ وجه متوقع و مأمول نبود که هیچیک از سلاطین ایران بعد از آنکه مملکت را آسوده و خلق را متفق ساخت راضی شود که یکی از بهترین اضلاع مملکت بدین قسم از دست برود» (ملکم، ۱۳۰۴، ج ۲: ۱۰۳). اگرچه حمله آقامحمدخان به تفلیس باعث دوری هر چه بیشتر اراکلی از ایران و نزدیکی بیشتر او به روسیه شد ولی با این وجود اراکلی خواستار تحت‌الحمایگی روسیه بود نه انضمام گرجستان به آن دولت. در اصل بر اساس قرارداد سال ۱۷۸۳ م (۱۱۹۷ ه.ق) روسیه اجازه وارد شدن به تفلیس را نیز نداشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱). گرگین‌خان نیز سیاست پدر را در پیش گرفت و به روسها گروید تا از آن طریق از اطاعت ایران خارج شود. اما روسها به دنبال انجام نقشه خود که تصرف گرجستان بود در صدد فریب گرگین‌خان بر آمدند تا از آن طریق گرجستان را تصرف و آن را ضمیمه روسیه نمایند. در این میان فتحعلی شاه در صدد ممانعت از نقشه روسها در سال ۱۷۹۸ م (۱۲۱۳ ه.ق) به شاه گرجستان نامه نوشت و در آن نامه بیان نمود که گرجستان قسمتی بزرگ از ایران است که همواره تحت فرمانروایی ایران قرار داشته و

شاهان آن نیز همیشه تابع ایران بوده‌اند. فتحعلی شاه از گرگین خان خواست که تابعیت خود را به ایران اعلام و از نزدیکی با روسیه خودداری نماید. وی برای اطمینان از وفاداری شاه گرجستان از او خواست تا یکی از پسران خود را به دربار ایران بفرستد تا ملازم دربار باشد و در مقابل او را مطمئن نمود که از لطف و عنایت ایران برخوردار شده و کما فی السابق بر تخت گرجستان برقرار خواهد بود. فتحعلی شاه در پایان گرگین خان را تهدید نمود که اگر از اطاعت ایران خارج شود و به سمت روسها گرایش یابد با سپاهی بسیار به گرجستان حمله خواهد نمود و بار دیگر آنجا را تاراج خواهد کرد و پرچم ایران را در آنجا به اهتزاز در خواهد آورد.^۱

۲- تلاش روسیه برای دستیابی به گرجستان در دوره فتحعلی شاه

الکساندر اول تزار روسیه (۱۸۰۱-۱۸۲۵م / ۱۲۱۶-۱۲۴۱ق) سیاست تهاجمی پتر کبیر و کاترین دوم را در قفقاز ادامه داد. گرگین خان پادشاه گرجستان قادر به درک سیاست‌های تهاجمی روسیه در قفقاز نبود و به همین مناسبت با اقدامات ساده‌لوحانه خویش زمینه‌های تسلط روسیه بر گرجستان را فراهم نمود. امپراطور روس در اواخر سال ۱۸۰۲م (۱۲۱۷ق) فرمانده جدیدی به نام سسیانف (Tsitsianov) را به گرجستان فرستاد.^۲ سسیانف فرمانده کل قفقازیه با سپاهی گران از نیروهای روس و توپخانه به طرف تفلیس روانه شد و گرگین-خان بدون توجه به عواقب امور از فرمانده روسیه استقبال و او را به تفلیس داخل نمود. سسیانف با ورود به تفلیس خانواده پادشاهی گرجستان را به روسیه تبعید نمود و به این ترتیب به استقلال گرجستان خاتمه داده و آنرا بخشی از خاک روسیه اعلام نمود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱ و ۱۹۲؛ مفتون دنیلی، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۸۰).

به این ترتیب روسها سلطنت گرجستان را از میان بردند. گرگین خان پس از اندک زمانی

۱ - فتحعلی شاه این نامه را از طریق نسقچی باشی خود به نام محمدخان به گرگین خان ارسال نمود. اصل این سند که به زبان فارسی است به روسی و گرجی نیز ترجمه شده است. برای دیدن این سند نک: GRAM, II (pt.2), 181-182, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 24-25. این سند جزو: «فرامین و دیگر اسناد تاریخی قرن

هجدهم دربارہ گرجستان، ج ۲، قسمت ۲، سنت پترزبورگ، ۱۹۰۲، صص ۱۸۱-۱۸۲» قرار دارد.

۲ - سسیانف در ایران به نام ایشیخدر معروف شد.

درگذشت. اکثر خانواده سلطنتی گرجستان به روسیه تبعید شدند. از میان خانواده سلطنتی گرجستان، اسکندر میرزا و طهمورث میرزا، فرزندان گرگین‌خان از گرجستان گریخته و به خانان گنجه رفتند و حمایت خان گنجه - جواد خان قاجار - را جویا شدند و خواستند از طریق خان گنجه به ایران پناهنده شوند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۱ و ۱۹۲؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۱). سیسیانف خودش شاهزاده‌ای گرجی الاصل بود که فامیل‌اش به روسیه مهاجرت کرده و روس شده بودند. وی از ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۶م (۱۲۱۸-۱۲۲۱ه.ق) شروع به مکاتبه با حاکم نشین‌های قفقاز جنوبی نمود. او به حاکمان قراباغ، شیروان، گنجه، شکی، قبه، باکو، ایروان و نخجوان نامه‌های تهدیدآمیزی ارسال نمود مبنی بر آنکه می‌بایست از حمایت ایران خارج شده تحت حمایت روسیه قرار گیرند. سیسیانف در آن نامه‌ها ایشان را به وعده حفظ خودمختاری امیدوار ساخت و خواستار انعقاد قراردادهای رسمی با آنان شد.

- مکاتبات میان سیسیانف و خانهای قفقاز

در اواخر سال ۱۸۰۳م (۱۲۱۸ه.ق) سیسیانف برای اینکه قدرت روسیه را به حاکم نشین‌های قفقازیه ثابت نماید به جوادخان زیاد اوغلو قاجار در گنجه نامه نوشت. سیسیانف در این نامه متذکر شد که خانان گنجه از قدیم جزو پادشاهی گرجستان بوده و چون اکنون گرجستان جزو امپراطوری روسیه است شما هم می‌بایست اکنون سرزمین خود را به مانند گرجستان به روسیه تسلیم نمایید (Akty, II. 1172).

جوادخان پاسخی بسیار قاطع و مستدل به سیسیانف نوشته و به وی ارسال نمود و به تمام ادعاها و درخواست‌های ناحق و دور از واقعیت او که با هیچ کدام از منابع و مدارک تاریخی و ارضی سازگار نبود پاسخ گفت. آنچه که در این پاسخ حائز اهمیت است و به چشم می‌آید دفاع جوادخان از حقوق تاریخی ایران بر مناطق قفقاز و در مقابل ردّ ادعاهای غیر تاریخی و غیر مستدل روسیه و سخنان واهی آنها بر آن مناطق است؛ و در همین راستا جوادخان حتی در خطاب خود به سیسیانف نیز ارزش و مقام او را به‌عنوان فرمانده کل قفقازیه مورد توجه قرار نداد.

کاملاً پیداست که جوادخان با این روش هیچ ارزش و بهایی به سیسیانف و نوشته‌ها و ادعاهای او - که گنجه را مانند گرجستان بخشی از امپراطوری روسیه می‌دانست - قائل نبود.

جوادخان به سیسائف اظهار داشت که گنجه هیچ وقت تحت حاکمیت گرجستان نبود بلکه همیشه تحت حمایت ایران قرار داشت. پاسخ جوادخان به سیسائف اینگونه بود: «درینوقت کاغذیکه فرستاده بودی رسید و نوشته بودی که در ایام طومان دده فال گنجه تابع گرجستان بود این سخن را هیچکس نشنیده است اما پدران ما که عباس قلیخان و سایرین باشد در گرجستان حاکم بوده اند هرگاه قبول ننماید از مردان پیر اهل گرجستان تحقیق نماید که عباس قلیخان در گرجستان حاکم و والی بوده است یا نه و بالفعل مسجد و دکان او در گرجستان هست و خلعت و تعلیقه او هم در خانه اهل گرجستان هست ... و دیگر آنکه نوشته بودی که شما پیش از این به گرجستان تابع بودی معلوم شما باشد که الحال رقم پادشاه شما در دست ما هست ببینید که در آن رقم ما را بیگلربیگی گنجه نوشته بود یا تابع گرجستان از این معنی معلوم است که سخن شما خلاف قول شما است» (Akty, II.1173).

جوادخان در این پاسخ سرسپردگی گنجه به ایران را بیان می‌دارد: «و الحال پادشاه ایران الحمدلله والمنة در نزدیک و حالا هم غلام سردارش به اینجا آمده است و قوشون هم آمده و باز می‌آید» (Akty, II.1173). جواد خان در برابر سخنان سیسیانف که او را تهدید می‌نمود که اگر اطاعت روسیه را به گردن نپذیرد و تحت حمایت ایران باقی بماند دچار عواقب وخیمی خواهد شد، چنین پاسخ می‌دهد: «و الا هرگاه بنای دعوا دارد ما هم آماده جنگ هستیم و اگر از توپ و توپخانه خود لاف می‌زنی از شفقت خدا توپ ما از شما کمتر نیست هر گاه توپ شما یک گز است توپ ما سه گز و چهار گز است و نصرت هم با خدا است و از کجا معلوم می‌شود که شما از قزلباش رشیدتر هستید شما دعوی خود را دیده‌اید و دعوی قزلباش را ندیده‌اید و نوشته بودی که آماده جنگ باشد از آن وقت که شما به شمس‌الدینلو آمدید و رعیت ما را تابع خود کردید از آن روز تا حال در تدارک هستیم و حاضر و آماده بوده‌ایم هرگاه دعوا می‌کنی دعوا خواهیم کرد و آنکه نوشته بودی که هر گاه این سخنها را قبول نکنی بدبختی ترا گرفته است ما هم چنین می‌دانیم که چونکه شما به این خیال افتاده آمده‌اید شما را هم بدبختی کشیده از پطرزبورگ قضا به اینجا آورده است انشاء الله تعالی بدبختی شما معلوم خواهد شد والسلام» (Akty, II.1173) جوادخان با این پاسخ خود ادعاهای روسیه را غیر واقعی و دور از حقیقت قلمداد نمود.

سیسیانف برای آخرین بار به جواد خان نامه نوشت و او را تهدید نمود که پس از مهلت چند روزه با سپاهی به گنجه رفته و آنجا را اشغال خواهد نمود (Akty, II, 1178).^۱ جواد خان فوراً به فتحعلی شاه اطلاع داد و خواستار کمک شد. فتحعلی شاه و عباس میرزا سپاه را آماده کرده و به جوادخان پیکی ارسال نمودند و خبر از رسیدن نیروهای کمکی دادند. سپاه ایران به سمت قراباغ و گنجه حرکت کرد ولی قبل از ایشان سیسیانف گنجه را محاصره و توپ باران نمود. جواد خان و پسر بزرگش کشته شدند و سیسیانف گنجه را گرفته و نام آن را به الیزابت پل - نام همسر امپراتور روسیه - تغییر داد (۱۸۰۳ م / ۱۲۱۸ ه.ق) (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹۳-۱۹۴). سیسیانف، همسر جواد خان و فرزندان و خدمتکارانش را به ایران فرستاد.^۲

با تسخیر گنجه تمام حکمرانان قفقاز جنوبی (در بند، تالش، باکو، قراباغ، قبه، شکی، ایروان، نخجوان، شیروان) را ترس فرا گرفت. سیسیانف پس از تسخیر گنجه در صد تصرف مناطق دیگر قفقازیه برآمده سعی نمود با استمالت و دلجویی از حکام آن مناطق ایشان را به اطاعت و تسلیم وادار نماید. در اصل برخی از حکام مناطق قفقاز نظیر قراباغ و ایروان «اگر چه ظاهراً در طریق بندگی و عبودیت ایران بودند، اما در باطن به واسطه اهمال و تهاون در اجرای خدمات سلطانی و تعلل و تکاهل در تقدیم مهمات دیوانی، اینگونه وسایل را بالطبع جویا می‌شدند» (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). در سال ۱۸۰۵ م (۱۲۲۰ ه.ق) سیسیانف به خان قراباغ، ابراهیم‌خان جوانشیر، نامه نوشت و از او خواست که تحت حمایت روسیه

۱. برای پی بردن به تفکرات روسها درباره جوادخان گنجه‌ای نک:

Akty, doc. 34, cited in Bourmoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889*: A Documentary Record. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53. اصل این سند روسی است.

گزارشی است از وزارت امور خارجه روسیه در تفلیس به دولت روسیه درباره وضعیت داخلی ترکیه شرقی، ایروان، نخجوان، خوی، گنجه، قراباغ و اوضاع داخلی ایران. این سند جزو «اسناد حکومت روسی قفقاز: اقدامات هیئت باستان‌شناسی قفقاز، ۱۲ جلد (تفلیس، ۱۸۶۶-۱۹۰۴)، ج اول، سند شماره ۳۴، صص ۱۱۱-۱۲۴، همچنین در تقویم کاوولاسکی ۱۸۶۴ (تفلیس، ۱۸۶۳) صص ۱۸۳-۲۱۲ قرار دارد. این سند نشان‌دهنده این است که روسها واقعاً خیال بیهوده و باطلی درباره متمایل بودن گنجه و خان آن به سمت خود داشتند.

۲ - گنجه از آن زمان قسمتی از امپراطوری روسیه شد و از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ م جزو جمهوری مستقل آذربایجان بود و از ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۱ م به نام کیرووآباد جزو جمهوری آذربایجان شوروی سوسیالیستی و پس از سقوط شوروی سوسیالیستی باز به نام گنجه جزو جمهوری کنونی آذربایجان قرار گرفت.

درآید وگرنه به سرنوشت گنجه دچار خواهد شد. در بیست و ششم ماه می ۱۸۰۵م (بیست و ششم ماه صفر ۱۲۲۰ه. ق) سیسیانف و ابراهیم‌خان قرارداد یازده ماده‌ای را امضا نمودند. در این قرارداد ابراهیم‌خان به خدا، پیامبر (ص) و امامان (ع) و به قرآن مجید سوگند خورد که پس از این به جای شاه ایران به امپراطور روسیه وفادار خواهد بود. این قرارداد اجازه می‌داد که ابراهیم‌خان و وارثانش اداره قراباغ را کما فی‌السابق در اختیار داشته باشند. در عوض ابراهیم‌خان متعهد شد که سالیانه ۸ هزار سکه طلا معادل ۲۴,۰۰۰ سکه نقره به خزانه تفلیس ارسال نماید و به علاوه دو سه گروگان به تفلیس بفرستد و یکی از گروگانها می‌بایست پسر جوان خودش باشد. در این قرارداد نوشته شده بود که امپراطور روسیه روزی سی روبل نقره برای معاش گروگانها اختصاص دهد و همچنین ابراهیم‌خان باید یک گردان روس را در شهر شوشی نگاه داشته و معاش آنها را تقبل نماید.^۱

مدت زمانی پس از آن بود که سیسیانف به خان شکی نامه نوشت و از او درخواست تابعیت روسیه را نمود. خان شکی به نام سلیم‌خان هم از ترس پذیرفت و همانند قرارداد قراباغ را در تاریخ ۳ ژوئن ۱۸۰۵م (۵ ربیع الاول ۱۲۲۰ه. ق) با او امضاء نمود (Akty, II, doc. 1301)؛ و به دنبال آن یک گردان روسی در شهر نوخا پایتخت شکی مستقر شد. چند هفته بعد سیسیانف به خان شیروان نامه نوشته و او را تهدید نمود. خان شیروان به نام مصطفی خان نیز قبول کرد و همانند قرارداد قراباغ و شکی را در تاریخ ۶ ژانویه ۱۸۰۶م (۱۵ شوال ۱۲۲۰ه. ق) با او امضا نمود (Akty, II, doc. 1366).

۱- این قرارداد به دو زبان فارسی و روسی نوشته و امضاء شد. اصل این قرارداد اکنون در آرشیوهای گرجستان در تفلیس یا باکو نگهداری می‌شود. اما متن این قرارداد که در یازده ماده تنظیم شد در یک رونوستی به زبان روسی از طرف سیسیانف به امپراطور روس ارسال شد و در مجموعه Akty, II, doc. 1436 قرار دارد. برای دریافت کامل این قرارداد می‌توانید به کتاب در دسترس Bournoutian, George, *The 1823 Russian survey of the Karabagh province*, Costa Mesa, California, second printing, 2012, pp. 413-416. رجوع نمایید.

درباره مناسبات ابراهیم‌خان جوانشیر با روسها قبل از انعقاد قرارداد او با سیسیانف نک: Akty, doc. 34, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53.

همچنین درباره توسل ابراهیم خلیل‌خان جوانشیر به روسها و عکس‌العمل ایران نسبت به آن و قتل وی نک: خاوری شیرازی، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۳۶-۲۳۰-۲۴۸-۲۴۱-۲۵۱.

در این ضمن که سیسیانف نامه‌های تهدیدآمیز به خانهای قفقاز می‌فرستاد، فتحعلی شاه نیز با ایشان تماس گرفته و احکام لازمه را برای آنها صادر و همه را به خدمتگزاری دعوت می‌نمود. در این احکام فتحعلی شاه از ایشان می‌خواست که از تهدیدات سیسیانف نهراسند و با حمایت‌های دولت ایران در برابر کافران ابلیس مقاومت نمایند. به این ترتیب فتحعلی شاه آنها را به پشتیبانی دولت ایران امیدوار می‌نمود، مبنی بر آنکه سپاه ایران روسها را به شکست وادار خواهند نمود. در این میان شاه ایران به گرجی‌ها، شکی‌ها، شیروانی‌ها نامه نوشت. فتحعلی شاه سعی داشت به هر طریق ممکن حاکم نشین‌های فوق را تحت نظر ایران نگاه داشته و از دسترسی روسها به قلمرو آنها جلوگیری نماید (نک: خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۳).^۱

به این ترتیب شاهد ارسال مکاتبات بسیاری از سوی فتحعلی شاه به‌ویژه برای بزرگان و امرای گرجی هستیم. به دلیل حساس بودن منطقه گرجستان و بیشتر از آن جهت که روسها کاملاً آنجا را به اشغال خود درآورده و بخشی از امپراطوری خویش نموده بودند؛ و همچنین از آن به عنوان پایگاهی برای تصرف مناطق دیگر قفقاز استفاده و در حال پیشروی بودند. بنابراین فتحعلی شاه تصمیم گرفت به هر طریق ممکن پایگاه روسها را از تصرف آنها خارج نماید. به همین مناسبت است که فتحعلی شاه نامه‌هایی به امرا و شاهزادگان گرجی ارسال نمود. در این زمینه اسناد بسیاری وجود دارد که تلاشهای دولت ایران را در آن برهه حساس از تاریخ برای حفظ حاکمیت خویش در قفقازیه ثابت می‌نماید.

۱ - درباره تلاش فتحعلی شاه مبنی بر حفظ مناسبات نزدیک با خانهای قفقاز برای جلوگیری از تسلط روسیه بر آنجا اسناد بسیاری وجود دارد. در این زمینه یک سند (نامه) روسی وجود دارد که توسط کنسول روسیه در انزلی به وزارت امور خارجه روسیه نوشته و ارسال شده است. متن این نامه نشان می‌دهد که کنسول روسیه در انزلی جاسوس روسها بوده و وضعیت آن روزی ایران و به ویژه اقدامات و تلاشهای فتحعلی شاه را در قفقاز و دیگر مناطق ایران برای حفظ و نگاهداری سرزمین ایران به دولت روسیه گزارش می‌داد. چیزی که در این نامه جالب توجه است کنسول روسیه از فتحعلی شاه به نام باباخان نام می‌برد نه پادشاه ایران. برای دیدن این سند نک: Arkhiv Vneshnei Politiki (Archives of the Foreign Policy of Russia, Moscow), cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 34-35. این سند به روسی است و در آرشیو وزارت امور خارجه روسیه جزو «روابط روسیه با ایران، گزارش گروه ۷۷/۶ (۱۷۹۹)، پرونده ۴۹۰، صص ۱۶-۱۷» قرار دارد.

۳- تلاش فتحعلی شاه برای حفظ مناسبات با شاهزادگان گرجستان

الف) نامه فتحعلی شاه به اسکندر میرزا و طهمورث میرزا

همانگونه که گفته شد در سال ۱۸۰۳م/۱۲۱۸ه.ق پس از ضمیمه گرجستان به خاک روسیه و تبعید اکثر خانواده سلطنتی آن به سنت پترزبورگ، اسکندر میرزا و طهمورث میرزا فرزندان گرگین خان از گرجستان گریخته و به خانان گنجه رفتند و حمایت خان گنجه - جوادخان قاجار- را جویا شدند و خواستند از طریق خان گنجه به ایران پناهنده شوند. در همان زمان فتحعلی شاه نامه‌ای به ایشان ارسال نمود. وی در این نامه توضیح داد که عباس میرزا نایب السلطنه با سپاهی بسیار روانه نبرد با روسیه است، و به این ترتیب از ایشان خواست که در رکاب شاهزاده برای نبرد با کفره ضاله همراه شوند؛ و خاطر نشان ساخت که اگر ایشان چنین رفتار نمایند پس از استخلاص گرجستان و تفلیس از دست روسیه اداره گرجستان به ایشان واگذار خواهد شد. متن این نامه چنین است: «تمشیت و انتظام آذربایجان و قلع و قمع سرکشان آن سامان و تسخیر ولایت گرجستان و تفلیس و اخراج اتباع ضاله ابلیس و جبهه همت آسمان نهمت خسروانه گردیده ثمره شجره دولت و جهانداری و دوحه حدیقه شوکت و تاجداری عباس میرزای نایب‌السلطنه ممالک ایران را با جمعی از امرآء جلیل الشآن و سپاهی بیحد و لشکری بیحد با آلات حرب و ادوات طعن و ضرب از رکاب منصور مأمور و ایوم که بیست هفتم شهر ذی حجه الحرام است از دربار گیتی‌مدار عازم آن حدود و ثغور گردید از آنجا که عالیجاهان معلی جایگاهان دولت و اقبال پناهان شوکت و اجلال دستگاهان شهامت و بسالت انتباهان فخامت و نبالت اکتسابان عزت و سعادت همراهان اخلاص و ارادت آگاهان امیری الامراء العظام عمده الولااء الکرام اسکندر میرزا و طهمورث میرزا که من جمله چاکران آستان خلافت نشان و ملتزمین رکاب ظفر همعنان بودند به همراهی فرزند نامدار تعیین به آن دیار فرمودیم که در نزد فرزند معزی الیه به مراسم خدمتگزاری قیام و شرایط اخلاص شعاری اقدام نمایند و... و به یاری حضرت باری و به اقبال مصون از زوال شهریاری اشرار و مفسدین آن دیار را عرصه شمشیر زهر آبگون و بقیه السیف فرقه ضاله روسیه را از سرحدات تفلیس و گرجستان بیرون و عالیجاهان مشارالیهما را والی آنصفحات و مستقل در آنولایات خواهیم فرمود» (Akty, II, 1652).

فتحعلی شاه در این نامه به شاهزادگان مزبور بیان می‌دارد مادامی که ایشان در اطاعت ایران باقی بمانند از پشتیبانی و حمایت این دولت بهره‌مند خواهند بود: «چون آنعالیشان خدمتگذار این دولت جاوید قرار و مراعات جانب ایشان منظور نظر مرحمت آثار است می‌باید در هر باب‌الطاف شاهانه را درباره خود بسرحد کمال دانسته و بعد از ورود سپاه ظفر پناه و عالیجاهان مشارالیهما به آن حدود کفره روسیه را از آنولایات بیرون و خود را مورد نوازشات از حد افزون شاهانه ساخته الطاف و اعطاف پادشاهی و اوامر علیه ظل‌اللهمی را که عالیجاهان مشارالیهما القا و مرقوم مینمایند بسمع قبول اصغا و خود را مشمول عواطف و عوارف بيمنتها دانسته در تقدیم و انجام اوامر علیه و احکام سنیه مساعی جميله بمنصه ظهور رسانند» (Akty, II, 1652).

فتحعلی شاه به شاهزادگان مزبور کمال اطمینان و حمایت از سوی ایران و مقام سلطنت را ابراز می‌نماید: «و مطالب و مستدعیات خود را از روی حصول امیدواری و استظهار تمام معروض رأی جهان آرا گردانند که بدرجه اجابت قبول و بعز استجابت و حصول موصول خواهد بود و درعهده شناسند.» (Akty, II, 1652).

ب) نامه دیگر فتحعلی شاه به اسکندر میرزا و طهمورث میرزا

همزمان با تحرکات روسها توسط سیسیانف، فتحعلی شاه بار دیگر نامه‌ای به شاهزادگان گرجی که به اطاعت ایران درآمده بودند نوشته و ارسال نمود. تاریخ این نامه ذی‌الحجه سال ۱۲۱۸هـ.ق (آوریل ۱۸۰۴م) است. فتحعلی شاه در آن نامه به اهمیت گرجستان اشاره نموده و لزوم مبارزه با روسیه و اخراج آنان از منطقه را بیان داشت. او در آن نامه اشاره کرد که ولیعهد خود عباس میرزا را با پنجاه هزار نفر از سپاهیان به منطقه ارسال نموده است و بنابراین از آنان خواست که در رکاب شاهزاده به مبارزه با سپاهیان روسیه بپردازند و پس از شکست روسها و اخراج آنان از گرجستان، حکومت آن منطقه را به ایشان واگذار نماید: «... رأی ممالک آرای سلطانی و همت آسمان نهمت خسروانی بمظاهرت و حمایت عالیجاهان مشارالیهما و انتزاع ولایت گرجستان و قلع مواد فساد آنطایفه خذلان سان تعلق‌پذیر گردید بنابراین درین زمان میمنت نشان عالیجاه مشارالیه را مشمول انواع نوازش و توجهات شاهانه فرموده قره باصره شهریاری و خلافت و دره صدف تاجداری و سلطنت عباس میرزا را با

پنجاه هزار نفر از عساکر نصرت مظاهر و آلات طعن و صرب و ادوات جنگ و حرب و تدارکات شایان و اسباب و اثاثه بی‌پایان از آسمان قوی الارکان تعیین و عازم آنسرزمین و عالیجاهان مشارالیهما را نیز به‌مراهی فرزند نامدار مزبور مرخص و مأمور فرمودیم که در معسکر او بوده بمراسم خدمتگزاری قیام نمایند ... و عما قریب از عنایات کامله الهیه ولایت مذکور و آنصفحات از مصادمت غازیان ظفر آیات مسخر و کفره روسیه از آتش فشانی تیغ بیدریغ لشکر مدمر و عالیجاهان مشارالیهما را در آن ولایت قرین استقلال خواهیم ساخت باید آنعالیشان جمعیت و قوشون خود را مستعد و آماده ساخته بعد از وصول سپاه نصرت پناه بآنحوالی آنعالیشان از آنطرف بقلع و قمع طایفه روسیه اشتغال داشته مجلس خدمتگزاری و مراسم جان نثاری خود را بر پیشگاه ضمیر منیر اشرف ظاهر و هویدا سازند و اعطاف خسروانه را شامل حال و کامل آمانی و آمال خود دانسته» (Akty, II, 1654).

ج) نامه فتحعلی شاه به محمد حسین بیک، نصیب بیک، مصطفی بیک و بقیه رؤسای محلات ذکام و شمس‌الدینلو

مناطق ذکام و شمس‌الدینلو میان گرجستان و گنجه قرار داشت. سیسیانف برای تصرف گنجه در صدد برآمد که از مناطق ذکام و شمس‌الدینلو استفاده کرده آن مناطق را به تصرف خود درآورد. آن مناطق دریچه ورود روسها به گنجه محسوب می‌شد. از سوی دیگر ایران نیز به این نقشه روسها واقف شده و همزمان حکام مناطق مزبور، دولت ایران را از نقشه سیسیانف آگاه نمودند. در این زمان است که فتحعلی شاه فوراً به رؤسای ذکام و شمس‌الدینلو که عبارت بودند از محمد حسین بیک، نصیب بیک و مصطفی بیک نامه نوشت. فتحعلی شاه این نامه را در رجب سال ۱۲۱۸ ه.ق (نوامبر ۱۸۰۳ م) به رؤسای مزبور نوشت. وی در این نامه بیان می‌دارد که بیست هزار سرباز ایران به فرماندهی پیرقلی خان قاجار و اسکندر میرزا والی گرجستان برای نبرد با روسیه در حال حرکت هستند. فتحعلی شاه در این نامه عنوان می‌نماید که رؤسای مزبور همواره ساکن گنجه بوده و در ابواب جمعی بیگلربیگی آنجا قرار دارند، لذا اکنون می‌بایست به همراه جمعیت خودشان در کنار جواد خان قاجار بیگلربیگی گنجه قرار گرفته و از او اطاعت نمایند و به همراه وی به نبرد با کفره ضاله روسیه و قلع و قمع آنان اقدام نمایند. فتحعلی شاه در ادامه به رؤسای مزبور بیان می‌دارد که

اگر در اطاعت دولت ایران به مبارزه با اشغال‌گران روسیه اقدام نمایند از عنایات و شفقت او برخوردار خواهند شد و اگر برعکس در انجام وظیفه خطیره خود تهاون و سستی نمایند مورد سیاست و غضب آتش خسروانی قرار خواهند گرفت. نوشته فتحعلی شاه چنین است: «درین وقت عالیشاه معلی مکان شهامت و بسالت بنیاد اخلاص و ارادت نشان سعیدخان غلام پیشخدمت خاصه شریفه را از درگاه جهان پناه روانه و به آن عالیشانان مقرر می‌شود که باید بعد از وصول اعتلاء بر مضمون این فرمان جهانمطاع و ورود عالیشانان مشارالیه به آنجا کفره روسیه را جواب داده با جمعیت خود به نزد عالیجاه معلی جایگاه دولت و اقبال پناه عزت و اجلال همراه شهامت و بسالت انتباه امیرالامراء اعظم جواد خان قاجار بیگلربیگی گنجه رفته و امر و نهی او را مطیع و منقاد بوده از زمانی که عالیشانان مشارالیه و داستان فیروزی نشان وارد آن سامان گردد و عالیجاه بیگلربیگی مزبور و آن عالیشانان نیز از آن طرف به قتل و غارت طایفه کفره اقدام نمایند، و حسن خدمت خود را در پیشگاه خاطر خطیر اقدس ظاهر و خود را مشمول عنایات بی غایات پادشاهی سازند و این مطلب نیز بر آن عالیشانان واقع و عیان باشد که چنانکه در خدمت مقرر تهاون و مساهله ورزند ایشان نیز مورد سیاست و غضب آتش لهب خسروانی خواهند گردید. باید اشفاق شاهانه را شامل احوال خود دانسته و در تقدیم خدمت مرجوعه لازمه اهتمام به عمل آورده در عهده شناسند» (Akty, II, 1653).

۴- ادامه تلاشهای سیسیانف برای تصرف مناطق قفقاز و سرانجام وی

اوایل سال ۱۸۰۶م (۱۲۲۰ه.ق) سیسیانف، خان باکو به نام حسین قلی‌خان را به همین گونه تهدید نمود. خان باکو پذیرفت که شهر باکو را به روسها تسلیم نماید و تقاضا کرد که برای امضاء قرارداد، سیسیانف خود به خارج شهر باکو بیاید. در این وقت بود که سیسیانف به تنهایی با یک نفر افسر به نزدیک دروازه باکو رفت. حسین قلی‌خان با چند نفر از سربازان خود بیرون آمده و یکی از همراهان حسین قلی‌خان، سیسیانف را به ضرب گلوله‌ای کشت؛ سپس سر و دست بریده سیسیانف را به نزد فتحعلی شاه فرستادند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۸).

پس از مرگ سیسیانف، جنگ اول ایران و روس که در سال ۱۸۰۴م (۱۲۱۸ه.ق) پس از تسخیر گنجه شروع شده بود، روند کندی به خود گرفت. در آن میان، فتحعلی شاه به گمان

اینکه وضعیت روسیه بحرانی است ارتش را برای تسخیر قفقاز ارسال نمود. ابراهیم‌خان با دریافت خبر عبور سپاه ایران از رود ارس، با خانواده‌اش از قلعه شوشی خارج شده که به سپاه ایران پیوندید. روسها خبردار شدند و ابراهیم‌خان را با خانواده‌اش از میان بردند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۸-۲۵۱). اما روسها به علت ادامه قرارداد سابق با ابراهیم‌خان پسر او به نام مهدی قلی‌خان را به جای پدر منصوب نموده و او هم سوگند وفاداری به امپراطور روسیه ادا نمود. مهدی قلی‌خان تا سال ۱۸۲۲م (۱۲۳۷ه.ق) به‌عنوان خان قراباغ در سمت خود برقرار بود و در این سال به ایران گریخت (Bournoutian, 2012, p.10).

جنگ نخست ایران و روسیه تقریباً در تمام اطراف ایروان، نخجوان، طالش و بادکوبه بود. یعنی سپاه ایران نتوانست خود را به اطراف گنجه، شکی، شیروان، دربند و قبه برساند. بنابراین خانهای مسلمان آنجا در سمت روسیه بودند. بیشتر نبردها اطراف اصلاندوز، تالش، سالیان، جنوب قراباغ، مقری و مرزهای بین ایروان و قراباغ و نخجوان بود. در سال ۱۸۱۳م (۱۲۲۸ه.ق) پس از شکست اصلاندوز، ایران در قصبه گلستان قراباغ، قرارداد گلستان را امضاء نمود. شایان ذکر است که عباس میرزا خود عهدنامه گلستان را امضاء نمود، بلکه فرمانده کل سپاه روس و ابوالحسن خان شیرازی، وزیر امور خارجه فتحعلی شاه، آنرا امضاء نمودند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵۹-۳۶۷؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۸۱-۵۸۶).

سخن پایانی

آغاز جنگهای ایران و روس در دوره فتحعلی شاه حاکی از تلاش روس برای تسلط و حاکمیت بر قفقازیه بود که در واقع به دنبال سقوط صفویان آغاز شده بود. ملل قفقاز با گرایشها و تمایلات متفاوت خود و به ویژه گرجی‌ها به دنبال تمایلات جدایی طلبانه خود از ایران و تأسیس سرزمینی مستقل آتش این جنگها را شعله‌ورتر نمودند. در این میان ارامنه و گرجی‌ها جدای از اشتراک مذهب که با روسها داشتند به دنبال تحقق رؤیاهای خویش دست به دامان روسها شدند و البته روسها هم به ظاهر از در همدردی با آنها ولی در باطن در اندیشه تسلط بر آنجا نقش مدافع و حامی آنها را ایفاء نمودند.

روسها در اصل شاه گرجستان را فریب دادند، زیرا شاه گرجستان -گرگین‌خان- خواستار تحت‌الحمایگی روسیه بود نه انضمام گرجستان به روسیه. ولی با ورود سیسیانف، فرمانده

روسها به گرجستان، سلطنت خاندان گرگین‌خان پایان یافت و همه خانواده سلطنتی آنان به روسیه تبعید شدند. سیسیانف تلاش بسیاری نمود تا از طریق مذاکره و ارسال نامه‌هایی مناطق مختلف قفقاز را به سمت روس متمایل نماید. در مقابل فتحعلی شاه نیز با آگاهی از تلاش روسها سعی نمود با حمایت خود از مردم قفقاز و به ویژه با ارسال مکتوباتی به شاهزادگان و امرای آنجا مانع از دستیابی روسها به قفقازیه گردد. در اصل فتحعلی شاه برای حل مسئله گرجستان و برای جلوگیری از نفوذ روسیه در قفقاز باب مراودات و مکاتبات دیپلماتیک را با امرای گرجی گشود.

فتحعلی شاه به ویژه در صدد برقراری روابط دیپلماتیک با والیان گرجستان برآمد. فتحعلی شاه حتی در بحبوحه نبرد نیز سعی نمود تا از طریق ارسال نامه به پادشاهان و امرای گرجی از جدایی گرجستان از ایران جلوگیری نماید. فتحعلی شاه در نامه‌های خود از آنان خواست که در برابر دست اندازی‌های سپاه روسیه به قلمرو خود ایستادگی نمایند و با حمایت و پشتیبانی دولت ایران، سپاه روسیه را شکست داده و حکومت گرجستان را به مانند سابق در اختیار خود گیرند.

در پایان علیرغم همه تلاشهای ایران، روسها موفق شدند تا با استفاده از تمایلات فوق‌الذکر ملل قفقاز و به ویژه گرجی‌ها، سرزمین گرجستان را از ایران جدا و به امپراطوری خود ملحق و تفلیس پایتخت آن را به عنوان مرکز کل امپراطوری خود در قفقاز تبدیل نمایند. روسیه با انضمام گرجستان به امپراطوری خود از آن به‌عنوان پایگاهی جهت تسلط بر مناطق دیگر قفقازیه سود جست و در نهایت در پایان جنگهای دوم با موفقیتی باورنکردنی ایروان و نخجوان را نیز از ایران جدا نمود.

اسناد

- *Akty sobrannye Kavkazskoiu Arkheograficheskoiu Kommissieiu (Documents of the Russian Administration of the Caucasus: Proceedings of the Caucasian Archeographical Commission), 12 Vols.*(Tiflis,1866-1904), II (1868), doc. 1172.

مدارک رسمی والی امپراطور روسیه در قفقاز. این سند جزو «اسناد حکومت روسی قفقاز: اقدامات هیئت باستان شناسی قفقاز، ۱۲ جلد (تفلیس، ۱۸۶۶-۱۹۰۴)، جلد دوم (سال ۱۸۶۸)، سند شماره ۱۱۷۲» قرار دارد.

- Akty, II, doc. 1173.
 - Akty, II, doc. 1178.
 - Akty, II, doc. 1301.
 - Akty, II, doc. 1366.
 - Akty, II, doc. 1436.
 - Akty, II, doc. 1652.
 - Akty, II, doc.1653.
 - Akty, II, doc. 1654.
 - Gramoty i drugie istoricheskie dokumenty XVIII stoletia, otnosiashchiesia do Gruzii (Decrees and other Historical Documents of the Eighteenth Century Relating to Georgia), Vol.II, pt.2 (St. Petersburg, 1902), 181-182, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 24-25.
- اصل این سند به فارسی است ولی به روسی و گرجی نیز ترجمه شده است. این سند جزو: «فرامین و دیگر اسناد تاریخی قرن هیجدهم درباره گرجستان، ۲ ج، قسمت ۲، سنت پترزبورگ، ۱۹۰۲، صص ۱۸۱-۱۸۲» قرار دارد.
- *Akty I, doc.34, cited in Bournoutian, George, Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53.

اصل این سند روسی است. گزارشی است از وزارت امور خارجه روسیه در تفلیس به دولت روسیه درباره وضعیت داخلی ترکیه شرقی، ایروان، نخجوان، خوی، گنجه، قراباغ و اوضاع داخلی ایران. این سند جزو «اسناد حکومت روسی قفقاز: اقدامات هیئت باستان‌شناسی قفقاز، ۱۲ جلد (تفلیس، ۱۸۶۶-۱۹۰۴)، ج اول، سند شماره ۳۴، صص ۱۱۱-۱۲۴، همچنین در تقویم کاوولاسکی ۱۸۶۴ (تفلیس، ۱۸۶۳) صص ۱۸۳-۲۱۲» قرار دارد.

- Arkhiv Vneshnei Politiki (Archives of the Foreign Policy of Russia, Moscow) cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 34-35.

این سند به روسی است و در آرشیو وزارت امور خارجه روسیه جزو «روابط روسیه با ایران، گزارش گروه ۷۷/۶ (۱۷۹۹)، پرونده ۴۹۰، صص ۱۶-۱۷» قرار دارد.

منابع

- آهنگران، امیر، «واکاوی علل ناکامی فتحعلی شاه در جنگ‌های ایران و روس (منطقه قفقازیه)»، *تاریخ روابط خارجی*، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۱.
- رشتیانی، گودرز، «بررسی وضعیت گرجستان و نقش الکساندر میرزا در جنگ‌های ایران و روسیه»، *تاریخ روابط خارجی*، بهار ۱۳۸۹، شماره ۴۲.
- کاووسی عراقی، محمد حسن، «چشم‌اندازی از روابط ایران و گرجستان مقارن تأسیس سلسله قاجار و نقش شاهزاده الکساندر میرزا»، *تاریخ روابط خارجی*، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱۴.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، چاپ اول.
- ملکم، سرجان (۱۳۰۴/م ۱۸۸۴ ش)، *تاریخ ایران*، ج دوم، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، کتابفروشی سعدی.
- میرزا فضل‌الله شیرازی متخلص به خاوری (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج اول، به تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

- نفیسی، سعید (۱۳۷۲)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، ج اول، تهران، انتشارات بنیاد، چاپ نهم.
- Bournoutian, George, *The Khanate of Erevan under Qajar Rule, 1795-1828*. New York, Columbia University Persian Series, 1992.
- Bournoutian, George, *The 1823 Russian survey of the Karabagh province*, Costa Mesa, California, second printing, 2012.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست‌ها



تصویر شماره ۱: نامه فتحعلی شاه به اسکندر میرزا و طهمورت میرزا

که شکروری نماند گرفته‌ایم یا از اهل گرجستان گرفته‌ایم
 والا هرگاه منای دهر درک ما هم نشاند: حاکم حسین و اگر
 از نوبت و برزجانا حد لاف می‌زنی از عقبت جدا توپ ما
 از سزا گسریست هرگاه توپ ما یکت گرانست توپ ما
 سه گز و چهار گز است و صورت هم ناخدا است و اگر کما
 معلوم می‌شود که سزا از هرمانی رسید ترغیبت سزا دعوی
 حدی را دیدی و درهای توپانرا دیدی و درسته بودی که ایات
 جنگ باشد از اوقات که سزا به حسن (امپراتور) و ریش
 ما را قلع خود کردند از آن روز تا حال سرگذشت حسین
 و حاضر و آمان بودیم هرگاه دهر می‌کنی دهر خواهیم کرد
 و آنکه بوسه بکنی هرگاه این سبهارا قبول کنی بوسه
 ترا بده است ما هم حسین بستانیم که هرگاه سزا باین
 خیال آمان آمدی سزا هم بوسه کنی از بی‌خبردی
 قضا ما بوسه آورده است انشاء الله تعالی بوسه سزا معلوم
 خواهد شد و والسلام

И получил твоё письмо. Ты пишешь, что во
 время паршии Ташира Гандзи изгнанысь въ зависи-
 мости Грузии. Этому рассказу шито не поверить. А
 наша армия Аббас-Кули-хана и армия управителя
 Грузии. Если бы вращи, ширса Грузинских старожи-
 лов, — управитель Аббас-Кули-хана Грузии мал шито?
 Донской въ Грузии существовать его шита и вли-
 шит. У многихъ Грузии получалось его аршиши.
 Со аршиши Иракли и нашего отца тремени Грузии
 и Гандзи передала. Если в шакы, что аршиши моя
 была адмеш въ Грузии, шито не аршиши шихъ
 шакы въ уважени и шито не аршиши шитъ Грузии.
 Ты шло пишешь, что в 5 шитъ тому шакы
 передалъ Гандзишскому аршиши Русскому Надши-
 ху. Это аршиши Тода твой Надшиша аршиши шитъ
 расприти и в, аршиши Его аршиши, передалъ
 аршиши. Если и теперь твой Надшиша аршиши
 расприти, то дожда его шит. Тогда в, ува-
 жени Его шакы, шибрешу от шит.

Ты шло пишешь, что в буге адмешасе аршиши
 въ зависимости Грузии, но дб буге шитъ шакы, что
 въ моихъ рукахъ и теперь расприти твоего Надшиша.
 Дешира, адмеша ам в шитъ Гандзишского безар-
 бегова или расприти Грузии. Из шитъ адмеша,
 что шакы твои адмеша. Кроме того, въ то аршиши шакы
 и передалъ Гандзишскому Надшишу, Персидский шакы
 адмеша въ Хараской и шитъ рушъ адмеша его и
 в шитъ аршиши аршиши Русскому Надшишу,
 шакы адмеша шакы аршиши. Аршиши, шакы Ла-
 шку, Персидский шакы адмеша въ адмеша шакы
 и посланный его адмеша адмеша шакы аршиши
 шакы, шакы аршиши шакы и шитъ шакы аршиши.

1173. *Ташир, Дашизи-ханъ къ им. Царскому.*
 دریافتگه گاهیکه رسیدند بوسی رسید بوسه بوسی که
 از ایتم طیار دعوا. گاهه تابع گرجستان بود این سخن را
 هیچکس مسیده است اما بیفران ما که ظنن طبیعی در سایرین
 باشد در گرجستان حاکم بودیم هرگاه قبول نه نباید از
 مردان بی‌جاهل گرجستان تحقیق نباید که ظنن طبیعی
 در گرجستان حاکم و دانی بود است باید و بالفعل حسد
 و نکان او در گرجستان هست و خلعت و تملیقه او هم درجه
 اهل گرجستان هست و از تمام بیفران کلی جان و دیگر
 سرحد گاهه در گرجستان معلوم بود که اگر کما تا کما است
 و ما این سبهارا در بیان نمی آوریم و هرگاه بگویم هم که
 بیفران ما در گرجستان وانی بود است کسی قبول نمی
 نماید و تاین سخن گرجستان کسی سزا میدهد و دیگر
 آنکه بوسه بوسی که سنی عالی بیسی ازین قلم گاهه را نه
 یادمان رویه نامه بوسی درست است از اوقات یادمان سزا
 نه تمام ولایت ایران روم بوسه بود و سزا هم بوسه بود
 ما رتم یادمان قبول کرده قصه را نادیم هرگاه ما یادمان
 در خوس کچه سزا در بیان نیست داند هرمان یادمان را
 عدم و آمان نماید ما هم رتم یادمان دیده از افرار صل
 سبیم و دیگر آنکه بوسه بوسی که سزا بیسی ازین گرجستان
 تابع بودی بضم سزا باشد که الحال رتم یادمان سزا درست
 ما حسد نه باید که از این رتم ما را بکنیم گاهه بوسه
 بود یا تابع گرجستان از اینصحن معلوم است که سخن سزا
 خلاف قول سزا است و دیگر آنکه دریافتگه که ما قلع
 یادمان رویه سزا بودیم یادمان ایران سحرمان رویه بود
 رتب ما در سر رسید و سزا آنکه یادمان رویه هم یادمان
 علم آسان بود نظامت ادرا قبول کردیم و الحال یادمان
 ازین ایستادگی دلشسته سر می‌کنیم و حالا هم نظم سوزین
 ما بخواهد آمد است و قوسون هم آمد و دگر می‌آید و دیگر آنکه
 بوسه بودی که گرجستان به یادمان لغتی در در و از نظر او حال
 گرفته‌اید دریافتگه است اما روز اول که سزا وارد گرجستان
 شدند در سزا بوسی توانم فرمانده معلوم کردیم که حسد که
 ریش ما است و در ما رو کردن حد اموال نظر بفرار کرده
 است و حال کردیم که سزا بفرار یادمان حسد الله نادیرین
 حق کرده مال او را گرفته بیدید و حسد و سایر
 سخن آندینوارا که از ما رو کردی سزا آمد گرفته نه ما
 خواهیم داد بدهیم که هیچ گفتار حاصل نیامورید و ما هم
 آنچه گرفته‌ایم از دیگران بفرست و نه باید که از ریشت گاهه

تصویر شماره ۲: جواب نامه سبسیانف توسط جوادخان گنجه‌ای



تصویر شماره ۳، ب): نامه دیگر فتحعلی شاه به اسکندر میرزا و طهمورث میرزا



تصویر شماره ۴: نامه فتحعلی شاه به محمد حسین بیک، نصیب بیک، مصطفی بیک و بقیه رؤسای محلات ذکام و شمس الدینلو